فصل‌نامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی-فرهنگی، دوره‌ی سیزدهم، شماره‌ی ۳، زمستان ۱۴۰۳، صفحات۶۲-۳۵

مقاله پژوهشی

واکاوی تجربهٔ زیستهٔ زنان دارای مشاغل خانگی شهر اصفهان

محدثه رضایی[۱]؛ آزاده چوب فروش زاده[۲]؛ حمیدرضا آریان پور[۳]؛ شهرزاد اسداللهی[۴]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۰۳

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، بررسی تجربهٔ زیستهٔ زنان دارای مشاغل خانگی بود. این پژوهش با رویکرد کیفی و روش پدیدارشناسی انجام شد. جامعهٔ آماری پژوهش حاضر شامل کلیهٔ زنان دارای مشاغل خانگی شهر اصفهان بود. نمونهٔ آماری به صورت غیرتصادفی و هدفمند انتخاب شد. از آنجا که داده‌ها پس از مصاحبه با مشارکت‌کنندهٔ شانزدهم به اشباع رسیدند، حجم نمونه پژوهش، ۱۶ نفر بود. تجزیه و تحلیل داده‌ها با روش ۷ مرحله‌ای کلایزی انجام شد. نتایج حاصل از تحلیل مصاحبه‌ها منجر به آشکار شدن ۸ مقولهٔ اصلی و ۳۱ مقولهٔ فرعی در پژوهش شد. مقوله‌های اصلی عبارتند از: عوامل مؤثر بر انتخاب شغلی، انگیزه‌های شغلی، چالش‌ها و موانع شغلی، چشم‌انداز شغلی، ابعاد عاطفی- هیجانی شغل، رفتارهای ارتقا دهنده در شغل، رفتارهای غیر حرفه‌ای در شغل و دستاوردهای حاصل از اشتغال به مشاغل خانگی. یافته‌ها نشان داد که اشتغال زنان به مشاغل خانگی یکی از راه‌های مؤثر برای رشد فردی آنان و همچنین، توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی جوامع به شمار می‌رود که با وجود در دسترس بودن، با موانع زیادی روبه‌رو است و زنان برای دستیابی به موفقیت در این قبیل مشاغل نیازمند مهارت‌ورزی، ترسیم حرفه‌ای نقشهٔ راه و تلاش برای حل موانع موجود بر سر راه پیشرفت خود هستند.

واژه‌های کلیدی: تجربهٔ زیسته؛ چالش‌های روانشناختی؛ زنان؛ مشاغل خانگی؛ هویت زنانه.

[۱] . دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره شغلی، دانشکدهٔ علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه اردکان، اردکان، ایران.
Mohadeseh.rezaey.74@gmail.com

[۲] . دانشیار گروه روانشناسی، دانشکدهٔ علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه اردکان، اردکان، ایران (نویسندهٔ مسؤول).
azadechoobforoush@ardakan.ac.ir

[۳] . استادیار گروه روانشناسی، دانشکدهٔ علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه اردکان، اردکان، ایران.
hamidaryanpour@ardakan.ac.ir

[۴] . کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشکدهٔ علوم انسانی، دانشگاه غیردولتی کیمیا، کرمان، ایران.
shahrzadassadollahi1994@gmail.com

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.66224/scds.13.3.35]

مقدمه و طرح مسأله

اشتغال یکی از عوامل مهم در تأمین معیشت و توسعهٔ اقتصادی جوامع است. مشارکت زنان در اقدامات اقتصادی از ابتدای تمدن بشری، واقعیتی غیرقابل کتمان بوده است و نقشی اساسی در پیشبرد توسعهٔ اقتصادی و درآمد سرانه هر کشور داشته است و برای جامعه، رفاه اجتماعی به همراه آورده است (غفوری و همکاران، ۱۴۰۱). حضور فعال زنان در بازار کار نه‌تنها موجب افزایش بهره‌وری اقتصادی می‌شود، بلکه به بهبود کیفیت زندگی خانوارها و کاهش نابرابری‌های اجتماعی نیز کمک می‌کند. در دنیای امروز، توانمندسازی زنان از طریق اشتغال یکی از راهکارهای اساسی برای توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی محسوب می‌شود. دسترسی به آموزش، مهارت‌آموزی، حمایت‌های دولتی و قوانین کار منصفانه از جمله عواملی هستند که می‌توانند مسیر زنان را برای ورود و پیشرفت در بازار کار هموارتر کنند (جومانازاروا[1]، ۲۰۲۳).

ایجاد فرصت‌های شغلی متنوع و دسترسی به منابع حمایتی می‌تواند بر تصمیم‌گیری زنان در زمینهٔ اشتغال تأثیر بگذارد. علاوه بر این، سیاست‌های کاری منعطف و حمایت‌های اجتماعی از جمله عواملی هستند که می‌توانند شرایط بهتری برای حضور زنان در بازار کار فراهم کنند (سارکر[2]، ۲۰۲۴). اشتغال خانگی یکی از راه‌های مهم برای رشد فردی زنان و توسعهٔ اجتماعی–اقتصادی جوامع است. مشاغل خانگی به فعالیت‌های اقتصادی اطلاق می‌شود که در داخل یا اطراف خانه انجام می‌شوند و می‌توانند شامل تولید کالا، ارائهٔ خدمات، تعمیرات، کشاورزی، دامداری و یا خرده‌فروشی باشند. این نوع اشتغال به‌ویژه برای افرادی که دسترسی محدودتری به بازار کار رسمی دارند، مانند زنان، سالمندان و افراد دارای معلولیت، اهمیت دارد. مشاغل خانگی در هر دو بخش رسمی و غیررسمی اقتصاد حضور دارند، اما معمولاً فاقد حمایت‌های قانونی و بیمه‌ای بوده است و از نظر اقتصادی کمتر مورد توجه قرار می‌گیرند (اجابمی[3] و همکاران، ۲۰۲۳).

بااین‌حال، عواملی مانند هزینه‌های بالای کار خارج از خانه، هنجارهای اجتماعی و فرهنگی محدودکننده و پویایی‌های خانوادگی بر انتخاب شغلی زنان تأثیر می‌گذارند (جوس و دوتا[4]، ۲۰۲۴). زنان در بخش‌های زیادی از اداره‌های صنعتی به کار گرفته شده‌اند و فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی انجام می‌دهند؛ تا آنجا که در مباحث توسعه، شرکت زنان و چگونگی اجرای نقش آن‌ها در ساختار اقتصادی، مشخصهٔ نوسازی و توسعهٔ اقتصادی بیان شده است و این به معنی

---

1 . Jumanazarova
2 . Sarkar
3 . Ogabemi
4 . Jose & Dutta

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]
[DOI: 10.66224/scds.13.3.35]

لزوم حضور زنان برای پیشرفت اقتصادی- اجتماعی جوامع یاد می‌شود (رازقی نصرآباد و حسینی، ۱۳۹۸).

گاهی اوقات حضور زنان در فضای اقتصادی کشور نه با انتخاب خود آنان که به خاطر شرایط سخت زندگی و مشکلات اقتصادی است؛ بطوری‌که در سال‌های اخیر تورم به گونه‌ای سرسام‌آور افزایش یافته است و قدرت خرید خانواده‌ها به شدت کم شده است و درآمد مردان دیگر کفاف مخارج خانواده را نمی‌دهد؛ بنابراین بخشی از زنان مجبور هستند که وارد بازار اشتغال و کسب درآمد شوند. مطالعات نشان می‌دهد که بسیاری از زنان نه صرفاً از روی انتخاب آزادانه بلکه به دلیل فشارهای اجتماعی و محدودیت‌های اقتصادی به مشاغل خانگی روی می‌آورند (دادهیچ و شرما[1]، ۲۰۲۳). در کنار این موارد، همواره موانعی فرهنگی بر سر راه اشتغال زنان وجود دارد؛ بطوری‌که هنوز باور به وجود موانع بیولوژیکی با تأکید بر ناتوانی فیزیکی و ضعف در بنیهٔ جسمانی زنان، تعصب، پیش‌داوری، تسلط قدرت مردانه و عدم توجه به اهمیت فعالیت و کار زنان در جامعه دیده می‌شود. همچنین، وجود موانع اجتماعی چون عدم توجه به آموزش زنان و تمایز کاری میان اشتغال «زنان/ مردان» در ممانعت از اشتغال این جنس در جامعه نقش بارزی داشته است؛ علاوه بر این، موانعی اقتصادی چون دستمزد نابرابر، نوع مشاغل و استثمار شغلی نیز وجود دارد که نوعی ناپایداری در عرصهٔ اشتغال زنان در جامعه را به همراه آورده است. وجود چنین موانعی، باعث شده است که زنان به فرم‌های جدید اشتغال همچون مشاغل خانگی روی آورند (مشایخی و همکاران، ۱٤۰۰).

مشاغل خانگی بخش لاینفک فرآیند تغییر در بازار اقتصادی و ساختار اجتماعی امروز به شمار می‌آیند و نقشی اساسی در تغییرات فناوری و افزایش بهره‌وری و تولید ایفا می‌کنند (فلورس[2]، ۲۰۲۳). در پژوهشی با استفاده از داده‌های چهار موج از پیمایش ملی استانداردهای زندگی خانوار در ویتنام، تأثیر توسعهٔ فناوری اطلاعات و ارتباطات بر وضعیت اشتغال زنان بررسی شده است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که افزایش فرصت‌های شغلی قراردادی ناشی از توسعهٔ فناوری، منجر به بهبود وضعیت معیشتی خانوارهای تحت سرپرستی این زنان شده است، علاوه بر این، کاهش ساعات کاری زنان متأهل در مشاغل قراردادی به دنبال توسعهٔ فناوری نشان می‌دهد که فناوری اطلاعات می‌تواند به بهبود مدیریت زمان، افزایش بهره‌وری کاری و در نهایت بهبود رفاه خانوار کمک کند (نیانگفونگ و کوهارا[3]، ۲۰۲٤).

[1] . Dadheech & Sharma
[2] . Flores
[3] . Nguyen-Phung, Kohara

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]
[DOI: 10.66224/scds.13.3.35]

بنابراین، مسألهٔ اصلی این پژوهش، فقدان درک جامع و عمیق از تجربهٔ زیستهٔ زنان دارای مشاغل خانگی و تأثیر این تجربه‌ها بر زندگی اقتصادی، اجتماعی و خانوادگی آنان است. این پژوهش تلاش می‌کند با بررسی این تجربه‌ها، موانع و فرصت‌های اشتغال خانگی زنان را شناسایی کرده و زمینه‌ای برای بهبود سیاست‌ها و برنامه‌های حمایتی فراهم کند. بررسی پژوهش‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که زنان شاغل در مشاغل خانگی با چالش‌ها و فرصت‌های زیادی مواجه‌اند. علاوه بر این، تجربهٔ زیستهٔ زنان در مشاغل خانگی ابعاد روانی، اجتماعی و اقتصادی پیچیده‌ای دارد که هنوز به‌طور کامل مورد مطالعه قرار نگرفته است. شناخت عمیق این تجربه‌ها می‌تواند به شناسایی موانع و فرصت‌های موجود، بهبود سیاست‌ها و برنامه‌های حمایتی و ارتقاء کیفیت زندگی و رفاه زنان کمک کند.

بنابراین، بررسی تجربهٔ زیستهٔ زنان دارای مشاغل خانگی ضرورت دارد تا درک بهتری از انگیزه‌ها، چالش‌ها و راهکارهای بهبود وضعیت آنان به دست آید و بتوان سیاست‌های کارآمد و حمایتی برای توسعهٔ اشتغال زنان طراحی کرد. این در حالی است که با وجود سابقهٔ طولانی و حضور همیشگی مشاغل خانگی در عرصهٔ تولید و اقتصاد ایران، در کشور ما اقدام مشخصی برای شناسایی چالش‌ها و نیازهای زنان شاغل در این دستهٔ شغلی انجام نشده است و در نتیجه، برنامه‌ای جامع برای بهبود عملکرد شغلی آنان، حمایت مناسب و نظارت کافی بر این گروه از افراد، تدوین نگردیده است. این امر حاکی از وجود خلأ پژوهشی در رابطه با زنان دارای مشاغل خانگی است. بنابراین، از آن جهت که پژوهش حاضر به شناسایی چالش‌ها و فرصت‌های موجود در حوزهٔ مشاغل خانگی و در نتیجه، دستیابی به شواهد علمی برای تدوین برنامه‌های بومی‌شده جهت توانمندسازی زنان دارای مشاغل خانگی منجر می‌شود، حائز اهمیت فراوان می‌باشد. از این‌رو، موضوع اصلی این پژوهش مطالعهٔ تجربهٔ زیستهٔ زنان دارای مشاغل خانگی می‌باشد و سؤالی که به دنبال دستیابی به پاسخ آن‌ها هستیم این است که تجارب زیستهٔ زنان دارای مشاغل خانگی چگونه است؟

پیشینهٔ پژوهش

تاکنون پژوهش‌های گوناگونی در رابطه با زنان و مشاغل خانگی در ایران و خارج از کشور انجام شده است. در این راستا، تابلی و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهش خود با عنوان «طراحی الگوی کارآفرینی زنان مبتنی بر مشاغل خانگی با استفاده از نظریه داده بنیاد»، عنوان کردند که کارآفرینی مبتنی بر مشاغل خانگی برای زنان از آن جهت حائز اهمیت است که سود اقتصادی و منافع اجتماعی و فرهنگی فراوانی را برای جامعه به همراه می‌آورد. موحدی و پویا (۱۴۰۲) نیز، در پژوهش خود با عنوان «موانع و راهکارهای توسعهٔ مشاغل خانگی زنان» نشان دادند که موانع

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.66224/scds.13.3.35]

پیش‌روی توسعه و پیشرفت مشاغل خانگی برای زنان آسیب‌پذیر شامل موانع روانشناختی- خانوادگی، موانع فرهنگی، موانع مالی- حمایتی، موانع آموزشی و موانع بازاریابی است و به این نتیجه رسیدند که موانع پیش روی توسعهٔ مشاغل خانگی برای زنان خودسرپرست در کوی محمدیه شامل ٤ مقولهٔ اصلی موانع روان‌شناختی- خانوادگی، موانع فرهنگی، موانع مالی- حمایتی، موانع آموزشی و موانع بازاریابی است. همچنین، چهار راهکار اصلی شامل فرهنگ‌سازی و توانمندسازی، حمایت‌های مالی، تبلیغات و بازاریابی و حمایت‌های آموزشی پیشنهاد شد.

ذکاوت و قاضی‌زاده (۱۳۹۸) هم، در پژوهش خود با عنوان «تحلیلی بر اهمیت طرح توسعهٔ خوشه‌ای در افزایش تولیدات صنایع دستی با رویکرد مشاغل خانگی زنان»، عنوان کردند که کاربست الگوی توسعهٔ خوشه‌ای در صنایع دستی به عنوان مشاغل خانگی زنان می‌تواند سبب فعالیت‌های منسجم و مشارکت‌های این بانوان شود و به این ترتیب این عملکرد پایدار در یک بازهٔ چندساله باعث گسترش صنایع دستی، دسترسی آسان به منابع مالی و مواد اولیهٔ تولید محصولات، افزایش کیفیت محصولات از بعد طراحی و ساخت و افزایش سودآوری و در نتیجه صادرات خواهد شد. از جمله پژوهش‌هایی که به تأثیر کار خانگی بر ابعاد اجتماعی و خانوادگی زنان اشاره کرده است، در پژوهشی که توسط اسلام و کوتیکولا[1] (۲۰۲۳) انجام شده است، با عنوان «تصمیم‌گیری دربارهٔ کار خانگی در میان زنان بنگلادش، بررسی توسعهٔ آسیایی»، عوامل تأثیرگذار بر تصمیم زنان بنگلادشی برای اشتغال خانگی مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که افزایش ثروت خانوارها در بنگلادش تأثیر قابل توجهی بر افزایش گرایش زنان به اشتغال در منزل داشته است. این روند در مناطق شهری و روستایی و در گروه‌های سنی مختلف مشاهده شده است و نشان می‌دهد که زنان جوان و متأهل نسبت به سایر گروه‌ها، تمایل بیشتری به مشاغل خانگی دارند.

علاوه بر این فلورس[2] (۲۰۲۳) در مطالعهٔ خود با عنوان «سیاست‌های نظارتی کسب درآمد خانگی پس از دستمزد خانوادگی آمریکایی»، بیان کرد که در طول تاریخ آمریکا، چهار مورد در تبدیل خانه به محل کار نقش ایفا کرده است. مورد اول، قوانین موجود در حوزهٔ کار کودکان در بحبوحهٔ افزایش بحران «بیکاری جوانان» بود که از دههٔ ۱۹٦۰ شروع شد و در تلاش برای تضعیف قوانین کار کودکان در دههٔ ۱۹۸۰ به اوج خود رسید. مورد دوم به تلاش برای رفع ممنوعیت فعالیت صنعتی در عصر نیودیل اشاره دارد. مورد سوم، اعتراض و ادغام به شیوه‌های مالکیت خانهٔ تجاری اشاره می‌کند و در نهایت، مورد چهارم به تلاش‌های صورت گرفته برای راه‌اندازی

[1] . Islam & Kotikula
[2] . Flores

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]
[DOI: 10.66224/scds.13.3.35]

ابزارهای جدید وام مسکن پرمخاطره دلالت دارد. این چهار مورد، نقشه تبدیل خانه‌های آمریکایی به مکان‌های تولید، مبادله و تجارت را ترسیم می‌کنند. سینتا[1] و همکاران (۲۰۲۱) در پژوهش خود با عنوان «آموزش فرآوری سس گوجه فرنگی برای کسب‌وکار خانگی در مقیاس کسب‌وکارهای کوچک و متوسط»، عنوان کردند که ناآگاهی زنان برای به‌کارگیری مهارت‌های خود به عنوان ایده‌ای زیربنایی و خلاقانه برای راه‌اندازی کسب‌وکار خانگی می‌تواند به عنوان یک مانع در این حیطه شناخته شود. بر این اساس، آنان در پژوهش خود، به آموزش فرآیند راه‌اندازی کسب‌وکار در خانه پرداختند و به زنان خانه‌دار آموزش دادند که با به کارگیری فناوری، سس گوجه فرنگی تولید کنند و از این راه، در دوران پاندمی کووید ۱۹ کسب درآمد کنند.

در پژوهشی که به‌صورت مرور سیستماتیک توسط مالی، الخالدی، سلام زاده و همکاران[2] (۲۰۲٤) انجام شده است، با عنوان «یک مرور نظام‌مند ادبیات پژوهشی دربارهٔ کسب‌وکارهای خانگی: دو دههٔ پژوهش»، روند تحقیقات انجام‌شده در حوزهٔ کسب‌وکارهای خانگی طی دو دهه اخیر (۲۰۰۰ تا ۲۰۲۳) مورد بررسی قرار گرفته است. هدف این پژوهش، شناسایی نقش اقتصادی این کسب‌وکارها، چالش‌های کارآفرینان و استراتژی‌های موفقیت در مواجهه با تغییرات اجتماعی و فناوری بوده است این مطالعه با تحلیل ۵۸ مقالهٔ پژوهشی، پنج محور اصلی را در تحقیقات مربوط به مشاغل خانگی شناسایی کرده است و به بررسی تحولات، نقش و تأثیرات این کسب‌وکارها در بستر اقتصادی معاصر پرداخته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که با وجود اهمیت فزایندهٔ مشاغل خانگی، همچنان شکاف‌های دانشی در این حوزه وجود دارد که نیازمند پژوهش‌های بیشتر است.

با وجود پژوهش‌های متعدد انجام‌شده در زمینهٔ مشاغل خانگی زنان، هنوز شکاف‌های دانشی قابل توجهی وجود دارد که پژوهش حاضر قصد دارد آن‌ها را پر کند. اکثر مطالعات پیشین، مانند تابلی و همکاران (۱٤۰۲) و موحدی و پویا (۱٤۰۲)، عمدتاً بر موانع توسعهٔ مشاغل خانگی و ارائهٔ راهکارهای اقتصادی، آموزشی و بازاریابی متمرکز بوده‌اند و جنبه‌های تجربهٔ زیسته، روان‌شناختی و اجتماعی زنان کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین پژوهش‌هایی مانند اتیوالکا و همکاران (۲۰۲٤) تنها به برخی ابعاد تعادل کار و خانواده یا اثرات اشتغال خانگی بر نرخ باروری پرداخته‌اند، در حالی که پژوهش حاضر با رویکرد کیفی، قصد دارد ارتباط میان تجربهٔ اشتغال خانگی، نقش‌های خانوادگی و کیفیت زندگی زنان را به‌طور جامع تحلیل کند. علاوه بر این، مطالعات بین‌المللی (اسلام و کوتیکولا، ۲۰۲۳؛ فلورس، ۲۰۲۳) با تمرکز بر شرایط کشورهای

[1] . Sinta
[2] . Malik, Alkhaldi, Salamzadeh

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]
[DOI: 10.66224/scds.13.3.35]

خود، نشان‌دهندهٔ تأثیر عوامل اقتصادی و فرهنگی بر مشاغل خانگی بوده‌اند، اما پژوهش حاضر با تمرکز بر زنان ایرانی دارای مشاغل خانگی، واقعیت‌های بومی، محدودیت‌های فرهنگی و اجتماعی و چالش‌های اقتصادی آنان را مورد بررسی قرار می‌دهد.

پژوهش حاضر همچنین بر دلایل شخصی و اجتماعی انتخاب مشاغل خانگی و تجربهٔ واقعی زنان تمرکز دارد، در حالی که پژوهش‌هایی مانند سینتا و همکاران (۲۰۲۱) بیشتر به آموزش مهارت‌ها و راه‌اندازی کسب‌وکار خانگی پرداخته‌اند. در نهایت، با توجه به مرور سیستماتیک مطالعات گذشته (مالی و همکاران، ۲۰۲٤) که نشان‌دهندهٔ اهمیت اقتصادی مشاغل خانگی و چالش‌های کارآفرینان است، پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و بررسی تجربهٔ زیستهٔ زنان، تلاش می‌کند شکاف‌های دانشی موجود در این حوزه را پر کند و چارچوبی جامع برای درک واقعیت‌های زندگی، فرصت‌ها و چالش‌های زنان دارای مشاغل خانگی ارائه دهد.

مبانی نظری

مطالعهٔ تجربهٔزیستهٔ زنان دارای مشاغل خانگی را می‌توان از طریق چند رویکرد نظری توضیح داد. از منظر روان‌شناختی، نظریهٔ خودتعیین‌گری رایان و دسی[1] (۲۰۰۰) بیان می‌کند که اشتغال می‌تواند نیازهای بنیادی خودمختاری، شایستگی و ارتباط را تقویت یا محدود کند؛ در این راستا، مشاغل خانگی می‌توانند به زنان امکان دهند تا حس کنترل و استقلال بیشتری نسبت به زندگی و کار خود داشته باشند و همزمان با تعاملات اجتماعی و خانوادگی خود هماهنگ شوند. از سوی دیگر، نظریه نقش‌های اجتماعی (بیدل، ۱۹۸٦)، نشان می‌دهد که زنان در مشاغل خانگی با نقش‌های چندگانه همسر، مادر و شاغل مواجه‌اند و این تنیدگی نقش‌ها بر هویت، رضایت شغلی و کیفیت تجربه آنان تأثیرگذار است؛ مدیریت همزمان این نقش‌ها، هرچند چالش‌برانگیز، می‌تواند مهارت‌های سازماندهی و انعطاف‌پذیری زنان را تقویت کند. در بعد جامعه‌شناختی، نظریهٔ سرمایهٔ اجتماعی بوردیو و پاتنام (۲۰۰۰) اهمیت شبکه‌ها و روابط اجتماعی را در پایداری و توسعهٔ مشاغل خانگی نشان می‌دهد، زیرا زنان از طریق ارتباطات خانوادگی، دوستان و جامعهٔ محلی به منابع اطلاعاتی، حمایت و فرصت‌های شغلی دسترسی پیدا می‌کنند.

همچنین، نظریهٔ اقتصاد غیررسمی (چن[2]، ۲۰۱۲) بیان می‌کند که اشتغال خانگی بخشی از ساختار اقتصادی غیررسمی است که مزایایی مانند انعطاف‌پذیری و استقلال اقتصادی فراهم می‌آورد، اما محدودیت‌هایی همچون فقدان حمایت قانونی و بیمه نیز دارد. از منظر جنسیتی، نظریه‌های فمینیستی نشان می‌دهند که ساختارهای اجتماعی و فرهنگی بر فرصت‌ها و

[1] . Deci, Rayan
[2] . Chen

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]
[DOI: 10.66224/scds.13.3.35]

محدودیت‌های زنان در بازار کار خانگی اثر می‌گذارند و نقش هنجارهای جنسیتی در شکل‌دهی به تجربهٔ کاری آنان برجسته است و با تمرکز بر تجربه‌های زیسته و معنای آن‌ها در زندگی روزمره، چارچوب مناسبی برای درک عمیق‌تر واقعیت‌های زنان دارای مشاغل خانگی فراهم می‌کند و امکان بررسی دقیق چالش‌ها، انگیزه‌ها و ارزش‌های شخصی این زنان را می‌دهد (تانگ، ۲۰۱٤؛ به نقل از تقی بیگی، ۱۳۹۳).

مجموعه نظریه‌های یاد شده در تبیین تجربهٔ زیستهٔ زنان دارای مشاغل خانگی، هر یک از زاویه‌ای خاص به فهم عمیق‌تر این پدیده کمک می‌کنند. نظریهٔ خودتعیین‌گری، ابعاد درونی و انگیزشی اشتغال خانگی را توضیح می‌دهد و نشان می‌دهد چگونه انتخاب این نوع کار می‌تواند پاسخی به نیازهای خودمختاری و کنترل فردی باشد. نظریهٔ نقش‌های اجتماعی، بر ابعاد چندنقشی زنان و تأثیر هم‌زمان مسؤولیت‌های خانوادگی و شغلی بر کیفیت تجربهٔ آنان تأکید دارد. نظریهٔ سرمایهٔ اجتماعی نیز به تبیین نقش شبکه‌های ارتباطی، حمایت‌های خانوادگی و اجتماعی در پایداری و موفقیت زنان در مشاغل خانگی می‌پردازد. از سوی دیگر، نظریهٔ اقتصاد غیررسمی با تمرکز بر شرایط ساختاری، جایگاه مشاغل خانگی را در اقتصاد غیررسمی و چالش‌های ناشی از فقدان حمایت‌های قانونی و بیمه‌ای روشن می‌سازد. در نهایت، نظریه‌های فمینیستی بُعد فرهنگی و جنسیتی این پدیده را آشکار می‌کنند و نشان می‌دهند که چگونه هنجارها و انتظارات اجتماعی بر فرصت‌ها، محدودیت‌ها و معنای کار برای زنان تأثیر می‌گذارند.

در مجموع، بهره‌گیری از این رویکردهای نظری، امکان فهم چند بعدی از پدیدهٔ مورد مطالعه را فراهم می‌کند؛ به این معنا که تجربهٔ زیستهٔ زنان دارای مشاغل خانگی نه تنها در چارچوب اقتصادی، بلکه در بستر روان‌شناختی، اجتماعی و فرهنگی قابل تحلیل است. این تلفیق نظری، به پژوهش حاضر کمک می‌کند تا به‌صورت جامع‌تری ابعاد انگیزشی، ساختاری و جنسیتی تجربهٔ زنان را تبیین کند و درک دقیق‌تری از واقعیت‌های زندگی و اشتغال آنان ارائه دهد.

روش تحقیق

پژوهش حاضر، از روش کیفی و با رویکرد پدیدارشناسی انجام شد و جامعهٔ آماری شامل کلیهٔزنان دارای مشاغل خانگی شهر اصفهان بود. روش نمونه‌گیری در پژوهش حاضر، به صورت غیرتصادفی و از نوع هدفمند بود؛ چراکه در مطالعهٔ کیفی، هدف تعمیم داده‌ها به جامعه نیست و نمونه باید به خوبی ویژگی‌های مورد نظر پژوهش را دارا باشد، به همین دلیل نمونه کاملاً هدفمند انتخاب می‌شود. همچنین، برای انتخاب نمونه، متناسب با معیارهای ورود به پژوهش ابتدا با سرپرست زنان دارای مشاغل خانگی اصفهان ارتباط گرفته شد و سپس با مشورت از ایشان به فرهنگسراها، بازارچه‌ها و مراکز مشاغل خانگی موجود در مناطق سه، چهار و دوازده اصفهان،

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.66224/scds.13.3.35]

تعدادی از زنانی که دارای مشاغل خانگی بودند، انتخاب شدند.در رابطه با نحوهٔ تعیین حجم نمونه نیز، لازم به ذکر است که در این پژوهش، اشباع نظری تعیین‌کنندهٔ حجم نمونه بود. زمانی داده‌ها به اشباع نظری رسید که با افزایش حجم نمونه، دیگر به حجم داده‌ها افزوده نشد و کدهای جدیدی از تحلیل داده‌ها استخراج نگردید.

در پژوهش حاضر، داده‌ها پس از مصاحبهٔ شانزدهم به اشباع رسیدند. از این‌رو، حجم نمونهٔ پژوهش حاضر، ۱۶ نفر بود. معیارهای ورود به پژوهش نیز شامل جنسیت زن، ساکن شهر اصفهان، اشتغال به مشاغل خانگی، دامنهٔ سنی ۲۵ تا ۶۰ ساله، حداقل گذشت ۱ سال از اشتغال به شغل‌های خانگی و داشتن رضایت آگاهانه برای شرکت در روند پژوهش بود. در پژوهش‌های کیفی، به‌ویژه پدیدارشناسی، حساسیت نظری پژوهشگر نقش مهمی دارد. پژوهشگر به واسطهٔ پیش‌دانسته‌ها، تجربه‌های شخصی و مطالعات پیشین، ممکن است در تفسیر داده‌ها دچار جهت‌گیری شود. در این مطالعه نیز پژوهشگر با آگاهی از پیش‌فرض‌ها و باورهای شخصی خود دربارهٔ مشاغل خانگی زنان، تلاش نمود تا با استفاده از روش‌هایی مانند بازاندیشی مداوم، یادداشت‌برداری در حین مصاحبه و تحلیل و بازگشت مکرر به داده‌های خام، اثر این پیش‌دانسته‌ها را بر فرایند پژوهش به حداقل برساند. به این ترتیب، داده‌ها تا حد امکان بر اساس روایت مشارکت‌کنندگان و تجربهٔ زیستهٔ آنان تحلیل گردید.

جدول شمارهٔ یک- ویژگی‌های مشارکت‌کنندگان

ردیف	اسم مستعار	سن	شغل	سابقه	تحصیلات	رشتهٔ تحصیلی	وضعیت تأهل	تعداد فرزند
۱	پردیس	۲۷	سفال و سرامیک	۱ سال	فوق‌لیسانس	روانشناسی	متأهل	۰
۲	ساناز	۵۷	غذای بیرون بر	۱۷ سال	دیپلم	فنی حرفه‌ای	متأهل	۳
۳	گیسو	۵۲	خیاط	۳۵ سال	لیسانس	کامپیوتر	متأهل	۲
٤	لیلا	۳۲	تولید زعفران و ترشی	۱۱ سال	لیسانس	فرهنگیان	بیوه	۱
۵	پریسا	۳۳	چرم دوزی	۱۹ سال	لیسانس	صنایع دستی	متأهل	۱
٦	فریبا	۵۵	خیاط	۳۷ سال	دیپلم	طراحی دوخت	متأهل	۳
۷	نگار	۳۰	تولید صنایع چوب	۱۲ سال	دیپلم	فنی حرفه‌ای	متأهل	۰
۸	مژگان	۳۲	قلمکاری و چیت‌سازی	۳ سال	فوق‌لیسانس	تربیت معلم	متأهل	۱

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.66224/scds.13.3.35]

۹	فاطمه	۳۸	گلدوزی و گل-آرایی	۲۰ سال	دیپلم	علوم انسانی	مطلقه	۱
۱۰	ماهرخ	۲۹	تولید مواد پروتِینی	۷ سال	لیسانس	علوم تربیتی	متأهل	۲
۱۱	ریحانه	۳٤	چرم‌دوزی	٦ سال	فوق‌لیسانس	ریاضی	متأهل	۱
۱۲	گلچهره	٤٤	پخت نان و شیرینی	۲ سال	دیپلم	ریاضی	بیوه	۲
۱۳	نرگس	۲۷	پژوهش	۱ سال	دکترا	روانشناسی	مجرد	۰
۱٤	گلی	۳۰	سفال و سرامیک	۳ سال	فوق‌لیسانس	روانشناسی	متأهل	۰
۱۵	مریم	٤۸	بافنده	۳۰ سال	سیکل	–	متأهل	۱
۱٦	منیره	٤۳	قلمکار	۳ سال	فوق‌لیسانس	فرهنگیان	متأهل	۲

داده‌های مورد نیاز در این پژوهش با استفاده از مصاحبه‌های عمیق و نیمه‌ساختاریافته جمع-آوری شد. در این نوع مصاحبه‌ها، شرکت‌کنندگان دربارهٔ باورها، نگرش‌ها و تجربه‌های شخصی خود پیرامون موضوع اشتغال خانگی سخن گفتند. مصاحبه‌ها به صورت حضوری و با مدت‌زمانی بین ٤۵ تا ۹۰ دقیقه انجام شد. برای اطمینان از روایی محتوایی پرسش‌ها، سؤالات مصاحبه بر اساس مطالعهٔ ادبیات نظری اشتغال خانگی طراحی گردید. پس از هر مصاحبه، فایل‌ها به صورت کامل پیاده‌سازی و متن‌ها چندین بار مرور شدند تا برداشت کلی از داده‌ها حاصل شود. تحلیل داده‌ها بر پایهٔ الگوی هفت مرحله‌ای کلایزی انجام گرفت. در این روش، ابتدا عبارات و جملات مرتبط با تجربهٔ زنان استخراج و کدگذاری شد؛ سپس کدها در خوشه‌های مفهومی دسته‌بندی و در قالب مضامین اصلی تلفیق گردید. در مراحل بعد، ساختار اساسی پدیده تبیین شد و یافته‌ها در قالب توصیفی جامع از معنای تجربهٔ زیستهٔ زنان ارائه گردید. برای اعتباریابی و راستی‌آزمایی داده‌ها، نتایج و کدهای استخراج شده در اختیار مشارکت‌کنندگان قرار گرفت تا آن‌ها صحت و دقت مضامین نهایی را بررسی و تأیید نمایند.

یافته‌های پژوهش

اطلاعات ارائه شده در جدول ۲ نشان می‌دهد که به طور کلی، تجربهٔ زیستهٔ زنان دارای مشاغل خانگی، دربردارندهٔ ۸ مقوله اصلی و در مجموع، ۳۲ مقولهٔ فرعی است که در ادامه، هر یک از آن‌ها، شرح داده شده‌اند.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.66224/scds.13.3.35]

جدول شمارهٔ دو- مقوله‌های اصلی و فرعی پیرامون تجربهٔ زیستهٔ زنان دارای مشاغل خانگی

ردیف	مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی
۱	عوامل مؤثر بر انتخاب شغلی	۱) دنبال کردن علاقه ۲) دنبال کردن استعداد ۳) پافشاری و اجبار خانواده به دنبال کردن یک مهارت خاص ٤) موروثی بودن یک مهارت خاص
۲	انگیزه‌های شغلی	۱) تمایل به رهبری در حوزه‌ی شغلی ۲) انگیزه‌های مالی ۳) محدودیت برای کار خارج از منزل ٤) انگیزه‌های روانی
۳	چالش‌ها و موانع شغلی	۱) چالش های مالی و دستیابی به ملزومات شغلی ۲) چالش های اجتماعی ۳) چالش فرهنگی ٤) برهم خوردن تعادل میان کار و زندگی ٥) چالش فروش
٤	چشم‌انداز شغلی	۱) توسعه بخشیدن به شغل ۲) شناخته شدن ۳) پیشرفت مالی ٤) تسلط یافتن
٥	ابعاد عاطفی- هیجانی شغل	۱) آرامش‌بخشی ۲) معناداری ۳) نگاه خانواده و جامعه ٤) داشتن تمایلات انسان دوستانه
٦	رفتارهای ارتقا دهنده در شغل	۱) مهارت ورزی مداوم ۲) مشتری مداری ۳) تلاش و کوشش مداوم
۷	رفتارهای غیر حرفه‌ای در شغل	۱) کمرویی و خجالت ۲) مدیریت مالی ضعیف ۳) واکنش هیجانی ٤) رشد کاریکاتوری شغل

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.66224/scds.13.3.35]

۸	دستاورد اشتغال به مشاغل خانگی	۱) دستاورد روانی ۲) دستاورد اجتماعی ۳) دستاورد مالی

بررسی داده‌های به دست‌آمده از مصاحبه‌ها نشان داد که تجربهٔ زیستهٔ زنان دارای مشاغل خانگی شامل ۸ مقولهٔ اصلی و ۳۲ مقولهٔ فرعی است که در ادامه به صورت تحلیلی تبیین می‌شوند.

نخستین مقوله، عوامل مؤثر بر انتخاب شغلی است. یافته‌ها نشان دادند که انتخاب شغل در میان زنان مورد مطالعه، فرایندی صرفاً اقتصادی نیست، بلکه تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل شخصی و خانوادگی قرار دارد. برخی از مشارکت‌کنندگان به علاقه و استعداد شخصی خود در یک حوزه اشاره داشتند و برخی دیگر بیان کردند که به دلیل تشویق یا اجبار خانواده یا حتی موروثی بودن مهارت‌ها مانند (صنایع‌دستی یا شیرینی‌پزی) وارد آن حرفه شده‌اند. در نتیجه، انتخاب شغل در این گروه، ترکیبی از عاملیت فردی و تأثیرپذیری از زمینهٔ خانوادگی و فرهنگی است.

دومین مقوله، انگیزه‌های شغلی بود. زنان شرکت‌کننده، انگیزه‌های گوناگونی را برای اشتغال خانگی مطرح کردند؛ از جمله میل به استقلال و رهبری در حوزهٔ کاری، نیازهای مالی و محدودیت‌های فرهنگی یا خانوادگی برای کار بیرون از خانه. برخی نیز انگیزه‌های روانی و شخصی همچون احساس مفید بودن، رشد فردی و رضایت درونی را دلیل اصلی اشتغال خود عنوان کردند. این نتایج نشان می‌دهد که انگیزش در مشاغل خانگی چندوجهی است و عوامل درونی و بیرونی به‌طور هم‌زمان بر آن تأثیر دارند.

سومین مقوله، چالش‌ها و موانع شغلی بود که از پرتکرارترین مضامین مصاحبه‌ها به شمار می‌رفت. زنان شرکت‌کننده به چالش‌های مالی مانند ناتوانی در تهیهٔ مواد اولیه و ابزار کار، موانع اجتماعی و فرهنگی از جمله نگاه منفی اطرافیان به کار خانگی و نیز اختلال در تعادل کار و زندگی خانوادگی اشاره کردند. همچنین مشکلات فروش و بازاریابی از جمله دغدغه‌های اصلی آنان بود. این یافته‌ها نشان می‌دهد که اشتغال خانگی با وجود مزایای خود، همواره با محدودیت‌ها و فشارهای ساختاری همراه است.

چهارمین مقوله، چشم‌انداز شغلی بود. بسیاری از زنان تمایل داشتند فعالیت خود را گسترش دهند، در جامعه شناخته شوند و به پیشرفت مالی دست یابند. برخی نیز از تمایل به تسلط بر حرفهٔ خود و ارتقاء کیفیت کار سخن گفتند. این موضوع نشان می‌دهد که اشتغال خانگی برای بسیاری از آنان نقطهٔ شروعی برای رشد و خودتحقق‌بخشی است.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.66224/scds.13.3.35]

پنجمین مقوله، ابعاد عاطفی و هیجانی شغل بود. بیشتر زنان تجربهٔ خود از کار خانگی را با احساس آرامش و معنا همراه می‌دانستند و آن را منبعی برای احساس ارزشمندی توصیف کردند. در عین حال، نگاه خانواده و جامعه در ایجاد یا تضعیف این احساس نقش مهمی داشت. برخی نیز انگیزه‌هایی انسان‌دوستانه مانند کمک به دیگران یا انتقال مهارت به دیگر زنان را بیان کردند.

ششمین مقوله، رفتارهای ارتقادهنده در شغل است که شامل تلاش مستمر، مهارت‌ورزی مداوم و مشتری‌مداری می‌شود. مشارکت‌کنندگان تأکید داشتند که تداوم موفقیت در مشاغل خانگی مستلزم پشتکار و یادگیری پیوسته است.

در مقابل، مقولهٔ هفتم یعنی رفتارهای غیرحرفه‌ای در شغل به موانع درونی زنان اشاره داشت. برخی از آنان از کم‌رویی و خجالت در ارتباط با مشتریان، مدیریت مالی ضعیف و واکنش‌های هیجانی در مواجهه با فشارها سخن گفتند. در برخی موارد، این ضعف‌ها موجب رشد کاریکاتوری شغل یا توقف توسعهٔ آن شده بود.

در نهایت، دستاوردهای اشتغال خانگی به عنوان هشتمین مقوله استخراج شد. زنان در کنار دستاوردهای مالی، از دستاوردهای روانی مانند احساس اعتمادبه‌نفس، رضایت و خودکفایی و نیز دستاوردهای اجتماعی مانند کسب احترام و هویت اجتماعی جدید یاد کردند.

در مجموع، یافته‌ها نشان می‌دهد که تجربهٔ زیستهٔ زنان دارای مشاغل خانگی پدیده‌ای چندبعدی است که در تعامل میان انگیزش‌های درونی، عوامل فرهنگی و ساختاری شکل می‌گیرد. این اشتغال برای زنان نه تنها منبع درآمد، بلکه بستری برای رشد شخصی، هویت‌یابی و تجربهٔ معنا در زندگی است.

عوامل مؤثر بر انتخاب شغلی

یکی از مهم‌ترین یافته‌های پژوهش، شناسایی عوامل مؤثر بر انتخاب شغل زنان دارای مشاغل خانگی بود. تحلیل روایت‌های مشارکت‌کنندگان نشان داد که این عوامل ترکیبی از گرایش‌های شخصی، استعدادهای ذاتی، تأثیرات خانوادگی و سابقهٔ خانوادگی مهارت‌ها هستند که مسیر شغلی زنان را شکل می‌دهند. دنبال کردن علاقهٔ شخصی یکی از بارزترین عوامل بود. در این ارتباط، فاطمه بیان کرد «*از موقعی که کوچک بودم خیلی علاقه به گل و گیاه داشتم، وقتی با خانواده به پارک می‌رفتیم، من به جای بازی کردن مثل بقیهٔ بچه‌ها، گل‌ها رو برای خودم دسته می‌کردم و می‌آوردم خونه اونا رو خشک می‌کردم و به جای گل مصنوعی‌های مامانم توی گلدون می-گذاشتم*».

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.66224/scds.13.3.35]

علاقه شخصی، به وضوح به عنوان محرکی قوی عمل می‌کند و تمایل زنان را برای سرمایه‌گذاری زمان و انرژی در حوزه‌ای مشخص افزایش می‌دهد. علاوه بر علاقه، پیروی از استعدادهای فردی نیز نقش مهمی در انتخاب شغل داشت. نرگس روایت کرد «*از وقتی دبیرستانی بودم، توی مدرسه به بچه‌ها می‌گفتم کارهای کلاسی و پژوهشیتون رو به من بدین انجام بدم. نیاز مالی نداشتم ولی مهارتی که داشتم پژوهش بود و تایپ کردن. بعدتر داخل دانشگاه هم همیشه عاشق کارهای پژوهشی بودم و به بقیه دوستانم یاد می‌دادم چطوری مقاله بنویسند*».

این یافته حاکی از آن است که زنان به سمت فعالیت‌هایی گرایش پیدا می‌کنند که با توانایی‌هایشان همسو باشد و امکان رشد مهارت‌ها و بروز استعدادهایشان را فراهم کند. در کنار گرایش‌های شخصی، تأثیر خانواده و فشارهای بیرونی نیز عامل مؤثری بود. زهره بیان کرد که «*من خودم معلمی رو خیلی دوست داشتم اما همسرم نگذاشت درسمو ادامه بدم و به اجبار رفتم خیاطی. اوایل هیچ علاقه‌ای هم نداشتم اما بعد از عقدم که آموزشگاه رفتم و مدرک خیاطی گرفتم، علاقه‌مند شدم*».

این روایت نشان می‌دهد که فشارهای خانوادگی ممکن است مسیر شغلی زنان را تغییر دهد، اما با گذر زمان و کسب تجربه، علاقه و رضایت شخصی نیز می‌تواند شکل گیرد. درنهایت، موروثی بودن مهارت‌ها در خانواده نیز بر انتخاب شغل اثرگذار بود. مریم گفت که «*من یه دختر یکی یه دونه بودم و همیشه تو خونه و با خانواده بودم، برای همین هوامو داشتند. مادر و مادربزرگم می‌بافتند و من هم به طبع از اونا یاد گرفتم و بافنده شدم*».

این موضوع نشان می‌دهد که انتقال فرهنگی و خانوادگی مهارت‌ها، مشاغل خانگی را به بخشی از هویت و زندگی روزمره زنان تبدیل می‌کند. در مجموع، یافته‌ها حاکی از آن است که انتخاب شغل زنان دارای مشاغل خانگی نتیجهٔ تعامل بین علاقه و استعداد فردی، تأثیرات خانوادگی و سابقهٔ فرهنگی و خانوادگی مهارت‌ها است و هر یک از این عوامل می‌توانند به صورت مستقیم یا غیرمستقیم بر مسیر و کیفیت فعالیت شغلی آنان تأثیر بگذارند.

انگیزه‌های شغلی

تحلیل داده‌های پژوهش نشان داد که انگیزه‌های درونی و فردی زنان، نقش تعیین‌کننده‌ای در انتخاب و استمرار فعالیت در مشاغل خانگی دارد. این انگیزه‌ها ترکیبی از تمایل به رهبری، ضرورت‌های مالی، محدودیت‌های اجتماعی و انگیزه‌های روانی–اجتماعی هستند که تجربهٔ زیستهٔ شغلی آنان را شکل می‌دهند. یکی از مهم‌ترین انگیزه‌ها، تمایل به رهبری و خوداتکایی بود. لیلا در این زمینه بیان کرد: «*من برای خودم کار می‌کنم و کار خودم را انجام می‌دهم و پیش می‌روم.*»

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.66224/scds.13.3.35]

این روایت نشان می‌دهد که احساس خوداتکایی و میل به کنترل مسیر شغلی، محرکی قوی برای ورود زنان به مشاغل خانگی و استمرار فعالیت مستقل آنان است.

انگیزه‌های مالی نیز نقش برجسته‌ای داشتند. آسیه بیان کرد: «*چون سرپرست خانواده‌ام هستم، مجبورم کار کنم و پول در بیاورم*» این تجربه نشان می‌دهد که فشارهای اقتصادی و نقش‌های خانوادگی، به ویژه در شرایطی که زنان نان‌آور اصلی هستند، انگیزه‌ای قوی برای انتخاب و تداوم فعالیت اقتصادی ایجاد می‌کند و گاهی این انگیزه نه به عنوان انتخاب آزاد، بلکه به مثابه ضرورتی اجتناب‌ناپذیر شکل می‌گیرد. در کنار این موارد، محدودیت برای اشتغال بیرون از خانه نیز زنان را به سوی مشاغل خانگی هدایت می‌کرد. زهره بیان کرد: «*همیشه توی خونه بودم و همسرم از اول با کار کردن زن بیرون از خونه مخالف بود*» این یافته نشان می‌دهد که محدودیت‌های فرهنگی و خانوادگی می‌توانند نقش هدایت‌کننده داشته باشند و اشتغال خانگی را به راهکاری سازگارانه برای مشارکت اقتصادی و هماهنگی با انتظارات خانواده تبدیل کنند.

در نهایت، انگیزه‌های روانی–اجتماعی نیز اهمیت داشتند. زهرا بیان کرد: «*بهترین ویژگی شغل من این است که توی این کار دوستای خیلی خوبی پیدا کردم و باهاشون در ارتباطم*» این روایت نشان می‌دهد که پیوندهای عاطفی و اجتماعی حاصل از مشاغل خانگی، نوعی سرمایهٔ روانی–اجتماعی برای زنان ایجاد می‌کند که رضایت درونی و احساس تعلق آنان را تقویت می‌کند. در مجموع، انگیزه‌های شغلی زنان دارای مشاغل خانگی نتیجهٔ تعامل میان تمایل به استقلال و رهبری، نیازهای مالی و خانوادگی، محدودیت‌های اجتماعی و بهره‌مندی از فواید روانی–اجتماعی است و این انگیزه‌ها به طور مستقیم بر انتخاب شغل و استمرار فعالیت آنان تأثیرگذار هستند.

چالش‌ها و موانع شغلی

تحلیل تجربهٔ زیستهٔ زنان دارای مشاغل خانگی نشان داد که فعالیت در این حوزه با مجموعه‌ای از چالش‌ها و موانع مواجه است که شامل ابعاد مالی، اجتماعی، فرهنگی، فردی و فروش می‌شود و بر پایداری و کیفیت تجربهٔ شغلی آنان اثرگذار است. یکی از اصلی‌ترین چالش‌ها، مشکلات مالی و دستیابی به ملزومات شغلی بود. خدیجه بیان کرد: «*بی‌ثباتی قیمت‌ها واقعا اذیت‌کننده است و مثلا قیمت مواد اولیه روز به روز فرق می‌کنه*» علاوه بر این، فقدان بیمه و حقوق بازنشستگی نیز نگرانی‌های زنان را در مورد آیندهٔ مالی تشدید می‌کند؛ زهره بیان کرد: «*اگر نتونم یک روز کار کنم هیچ درآمدی ندارم؛ در حالیکه ۳۰ ساله دارم کار می‌کنم و الان باید حقوق داشته باشم*» این چالش‌ها نه تنها توسعه و تداوم فعالیت‌های اقتصادی زنان را محدود می‌کند، بلکه فشارهای روانی و نگرانی‌های مستمر ایجاد می‌کند.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.66224/scds.13.3.35]

در کنار مسائل مالی، چالش‌های اجتماعی نیز زنان را متأثر می‌کند. پردیس گفت که فعالیت‌های خانگی او از سوی خانواده و اطرافیان چندان جدی گرفته نمی‌شود و گاه با قضاوت‌های منفی همراه است: «*تو که داری گِل بازی می‌کنی...*» این تجربه نشان می‌دهد که نبود اعتبار اجتماعی برای مشاغل خانگی می‌تواند موجب احساس بی‌ارزشی، سرخوردگی و کاهش اعتمادبه‌نفس شود و سرمایه‌گذاری جدی و خلاقیت آنان را محدود کند. چالش‌های فرهنگی نیز بخش مهمی از محدودیت‌ها را تشکیل می‌دهند. منیره بیان کرد: «*اجازه ندارم مشتری مرد داشته باشم*» این محدودیت‌ها، دامنهٔ فعالیت اقتصادی زنان را کاهش می‌دهد و استقلال آنان را محدود می‌کند و نشان‌دهندهٔ اثر هنجارهای جنسیتی مسلط در جامعه است. علاوه بر این، برهم خوردن تعادل میان کار و زندگی یکی دیگر از چالش‌های مهم است. آسیه بیان کرد: «*وقتی دارم توی خانه کار می‌کنم، پسر کوچیکم حوصله‌اش سر میره و دور من می‌چرخه*» این وضعیت نشان می‌دهد که مشاغل خانگی، برخلاف تصور عمومی، می‌توانند به تداخل نقش‌ها و احساس گناه نسبت به خانواده منجر شوند و توانایی زنان در مدیریت کار و زندگی را تحت تأثیر قرار دهند.

در نهایت، چالش فروش و بازاریابی محصولات نیز مانعی جدی برای زنان است. پریسا گفت که محدودیت در دسترسی به شبکه‌های فروش آنلاین باعث کاهش شدید درآمد شده است: «*مثلا در اینستاگرام ماهی ۵ تومن فروش داشتم. اما الان به صفر رسیده و شرایط خیلی سخت شده*» این روایت نشان می‌دهد که وابستگی به بسترهای فروش محدود و عدم دسترسی پایدار به بازارهای آنلاین، زنان را با ناپایداری درآمد و نگرانی دائمی درباره آیندهٔ شغلی مواجه می‌کند. به طور کلی، یافته‌ها نشان می‌دهند که چالش‌ها و موانع شغلی زنان دارای مشاغل خانگی، ترکیبی از محدودیت‌های مالی، اجتماعی، فرهنگی، فردی و بازاریابی است و این موانع به طور مستقیم بر پایداری، توسعه و کیفیت تجربهٔ شغلی آنان اثرگذار است.

چشم‌انداز شغلی

تحلیل تجربهٔ زیستهٔ زنان دارای مشاغل خانگی نشان داد که چشم‌انداز شغلی آنان ترکیبی از امیدها، آرزوها و برنامه‌های آینده برای توسعه و تثبیت فعالیت‌های اقتصادی است. این چشم‌انداز، شامل توسعهٔ شغلی، شناخته شدن، پیشرفت مالی و تسلط بر حیطهٔ شغلی است و نقش مهمی در جهت‌دهی به انگیزه‌ها و تلاش‌های زنان دارد. یکی از مهم‌ترین ابعاد چشم‌انداز شغلی، تمایل به توسعه و گسترش فعالیت‌های شغلی است. مریم بیان کرد: «*دوست دارم که یه مغازه داشته باشم که مکانم ثابت باشه و صبح برم و عصر بیایم و کارم دائمی باشد*» این روایت نشان می‌دهد که زنان، مشاغل خانگی را نه صرفاً به عنوان فعالیت محدود خانگی، بلکه به عنوان فرصتی برای حرکت به سمت فعالیتی پایدار، حرفه‌ای و دارای ثبات اقتصادی و اجتماعی می‌بینند. توسعهٔ شغلی

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.66224/scds.13.3.35]

برای آنان نمادی از تثبیت بازار و کسب هویت شغلی مستقل است. شناخته شدن در حیطهٔ شغلی بعد دیگری از چشم‌انداز آنان است. زهرا گفت: «*از وقتی کارم را شروع کردم، دوست داشتم شناخته شوم و الان تقریبا دارم به این هدفم می‌رسم. من تولید مواد پروتئینی دارم و به اسم برندم، برنا پروتئین منو میشناسن*» این تجربه نشان می‌دهد که بخشی از زنان، اشتغال خانگی را فرصتی برای ساختن هویت اجتماعی و حرفه‌ای مستقل می‌بینند و شناخته شدن به عنوان یک برند معتبر، اعتماد مشتریان را جلب کرده است و مسیر توسعه و پایداری کسب‌وکار را هموار می‌سازد. چشم‌انداز پیشرفت مالی نیز به‌طور مستقیم با انگیزه‌های اقتصادی و خودتحققی زنان مرتبط است. آسیه بیان کرد: «*پارسال آرزو می‌کردم به درآمد ماهانه ۳۰ میلیون برسم و حالا نزدیکم به اون ۳۰ میلیون. وقتی پیشرفت کارم رو می‌بینم امیدوارتر می‌شوم*» این روایت نشان می‌دهد که دستیابی به اهداف مالی، علاوه بر تقویت اعتمادبه‌نفس و احساس موفقیت فردی، امکان سرمایه‌گذاری مجدد در توسعهٔ شغل، تثبیت بازار و ارتقاء کیفیت محصولات را فراهم می‌آورد و زنان را به ادامهٔ تلاش و رشد تشویق می‌کند.

در نهایت، تسلط یافتن بر حیطهٔ شغلی از دیگر ابعاد مهم چشم‌انداز زنان است. گلی بیان کرد: «*من رو به عنوان سرامیک کار می‌شناسند و الان به جایی رسیدم که من را هنرمند یا استاد هم صدا می‌زنند*». این روایت نشان می‌دهد که دستیابی به تسلط حرفه‌ای نمادی از هویت شغلی، اعتمادبه‌نفس و استقلال حرفه‌ای است و علاوه بر ارتقای کیفیت کار و رضایت شخصی، اعتبار اجتماعی و جایگاه آنان در بازار را تثبیت می‌کند و انگیزه برای توسعهٔ شغلی را تقویت می‌نماید. به طور کلی، چشم‌انداز شغلی زنان دارای مشاغل خانگی، ترکیبی از توسعه، شناخته شدن، پیشرفت مالی و تسلط حرفه‌ای است که برنامه‌های آینده آنان برای رشد و پایداری کسب‌وکار را شکل می‌دهد و به عنوان محرکی قوی برای استمرار تلاش و خلاقیت در فعالیت‌های اقتصادی عمل می‌کند.

ابعاد عاطفی- هیجانی شغلی

یافته‌ها نشان داد که مشاغل خانگی نه تنها منبع درآمد زنان هستند، بلکه نقش مهمی در تأمین نیازهای روانی و هیجانی آنان ایفا می‌کنند. این ابعاد شامل آرامش‌بخشی، معناداری، نگاه خانواده و جامعه و تمایلات انسان‌دوستانه است و بر رضایت، انگیزه و پایداری زنان در فعالیت‌های اقتصادی تأثیرگذار است. یکی از مهم‌ترین ابعاد، آرامش‌بخشی شغل است. منیره بیان کرد: «*وقتی برای اولین بار قلمو دست گرفتم و سفره‌ی قلمکار رنگ زدم، انگار دوباره متولد شدم... مهم‌ترین چیز این بود که حالم خوب می‌شد با این کار*» این روایت نشان می‌دهد که اشتغال خانگی می‌تواند فضایی برای بازسازی هیجانی و تجربهٔ رضایت درونی ایجاد کند. انجام

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.66224/scds.13.3.35]

فعالیت‌های خلاقانه به زنان امکان می‌دهد تا احساس کنترل و تسلط بر محیط خود را تجربه کنند و فشارهای روانی و استرس‌های روزمره را کاهش دهند.

به طور کلی، آرامش‌بخشی شغل، بازتابی از کارکرد روانی و احساسی فعالیت‌های خانگی است و نقش مهمی در تقویت انگیزه و پایداری شغلی زنان ایفا می‌کند. بعد دیگر، معناداری شغل است. ریحانه گفت: «*چون در چرم‌دوزی از یک چیز دو بعدی، یک وسیله سه بعدی به وجود میاد، بهم حس خلقت و انرژی می‌ده*» این روایت نشان می‌دهد که زنان فعالیت‌های خود را نه صرفاً به عنوان منبع درآمد، بلکه فرصتی برای ابراز خلاقیت و خلق چیزی با ارزش می‌بینند. تجربهٔ معناداری شغل، حس کفایت فردی، انگیزهٔ ادامه فعالیت و رضایت روانی را تقویت می‌کند و زنان را قادر می‌سازد ارتباط عاطفی عمیق‌تری با کار خود برقرار کنند. نگاه خانواده و جامعه نیز از دیگر ابعاد مهم است. کریمه بیان کرد: «*همین که خانواده‌ام بهم افتخار می‌کنند که هنری دارم، برام کفایت می‌کنه*» این تجربه نشان می‌دهد که حمایت و شناخت اطرافیان، علاوه بر تقویت اعتمادبه‌نفس، حس تعلق و ارزشمندی فردی را افزایش می‌دهد و پایداری فعالیت‌های شغلی زنان را تضمین می‌کند.

نگاه مثبت خانواده و جامعه به زنان امکان می‌دهد با انگیزهٔ بیشتر به فعالیت‌های خلاقانه ادامه دهند و فشارهای روانی ناشی از بی‌توجهی یا قضاوت منفی کاهش یابد. در نهایت، داشتن تمایلات انسان‌دوستانه نیز نقش مهمی در تجربهٔ عاطفی و هیجانی زنان دارد. پریسا گفت: «*کار من حمایتی است، حمایت از بچه‌های اوتیسم و کودکان کار... برایم مهم است که چند نفر را به اشتغال برسانم*» این روایت نشان می‌دهد که مشارکت در فعالیت‌های شغلی می‌تواند حس مفید بودن و مسؤولیت اجتماعی را در زنان تقویت کند و انگیزهٔ آنان را برای ادامهٔ فعالیت افزایش دهد. اهداف انسان‌دوستانه، تجربهٔ رضایت درونی و معنا در شغل را بهبود می‌بخشد و زنان را قادر می‌سازد فعالیت‌های خود را فراتر از صرف کسب درآمد ببینند. به طور کلی، ابعاد عاطفی–هیجانی شغل، ترکیبی از کارکردهای روانی، اجتماعی و معنایی را فراهم می‌کند و نقش مهمی در ارتقاء رضایت شغلی، انگیزه و پایداری زنان شاغل خانگی ایفا می‌کند.

رفتارهای ارتقا دهنده در شغل

تحلیل داده‌ها نشان داد که زنان دارای مشاغل خانگی، برای بهبود کیفیت کار و توسعهٔ شغل خود، مجموعه‌ای از رفتارها و استراتژی‌های ارتقا دهنده را به کار می‌گیرند. این رفتارها شامل مهارت‌ورزی مداوم، مشتری‌مداری و تلاش و کوشش مستمر هستند و نقش مهمی در افزایش توانمندی، رضایت شغلی و پایداری فعالیت‌های اقتصادی زنان دارند. یکی از اصلی‌ترین رفتارها، مهارت‌ورزی مداوم است. زهره بیان کرد: «*همیشه علاقه‌مند بودم بروم پیش کسی که چیزی را از*

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.66224/scds.13.3.35]

من بهتر و بیشتر بلده، آموزش ببینم... دوره‌های تکمیلی رو هم در آموزشگاه‌های بیرون گذروندم تا بتوانم کارم را گسترش بدهم و به خوبی انجام دهم» این روایت نشان می‌دهد که یادگیری مستمر، توانمندی‌های حرفه‌ای زنان را بهبود می‌بخشد و آنان را قادر می‌سازد تا با تغییرات بازار و نیازهای مشتریان هماهنگ شوند. مهارت‌ورزی مداوم نه تنها کیفیت کار را افزایش می‌دهد، بلکه اعتمادبه‌نفس و حس کنترل زنان بر مسیر شغلی‌شان را نیز تقویت می‌کند.

بعد دیگر، مشتری‌مداری است. زهرا چنین گفت: «*به من می‌گفتند برای گرفتن سیب سلامت، باید حتماً به محصولاتم نیترات بزنم... اما مشتری‌ها به خاطر اینکه محصولات ما مواد نگهدارنده ندارد، از ما خرید می‌کنند و من وجدانم اجازه نمی‌دهد که نیترات بزنم*» این روایت نشان می‌دهد که وفاداری به مشتری و رعایت انتظارات آنان، حتی به قیمت از دست دادن مزایای رسمی، برای زنان اهمیت دارد. مشتری‌مداری اخلاقی و حرفه‌ای، اعتماد مشتریان را جلب کرده است و به تداوم فعالیت‌های شغلی کمک می‌کند.

سومین رفتار ارتقا دهنده، تلاش و کوشش مداوم است. گلی بیان کرد: «*اول خیلی حرص می‌خوردم و ناراحت می‌شدم ولی به مرور فهمیدم یک سری مشکلات طبیعی هستند... با تست کردن و مشورت و بعضی اوقات با هزینه دادن، نتیجهٔ کار آدم خوب می‌شود*» این تجربه نشان می‌دهد که پشتکار، صبر و تعهد به فرآیند یادگیری و ارائهٔ خدمات با کیفیت، از ویژگی‌های کلیدی زنان موفق در مشاغل خانگی است. این پایداری باعث افزایش کیفیت محصولات و خدمات و ایجاد رضایت شخصی و حرفه‌ای می‌شود. به طور کلی، رفتارهای ارتقا دهنده در شغل، بازتاب تلاش‌های مستمر زنان برای ارتقاء توانمندی، وفاداری به مشتری و تثبیت موقعیت شغلی است و نقش کلیدی در توسعهٔ حرفه‌ای، رضایت و پایداری فعالیت‌های آنان دارد.

رفتارهای غیر حرفه‌ای در شغل

تحلیل داده‌ها نشان داد که برخی از زنان دارای مشاغل خانگی، رفتارهایی از خود بروز می‌دهند که مانع حرفه‌ای شدن فعالیت‌هایشان می‌شود. این رفتارها شامل کمرویی و خجالت، مدیریت مالی ضعیف، واکنش هیجانی و رشد کاریکاتوری شغل هستند و می‌توانند اثر منفی بر پایداری و توسعهٔ کسب‌وکار داشته باشند. یکی از رفتارهای منفی، کمرویی و خجالت در پیگیری امور شغلی است. زهرا بیان کرد: «*گاهی پیش می‌آید که بعضی افراد تا یک ماه بعد از خرید، هنوز پولشان را پرداخت نکرده‌اند و من باید پیگیر دریافت پولم باشم و برایم خیلی سخت است که از آنها بخواهم پولم را پرداخت کنند. خجالت می‌کشم*» این روایت نشان می‌دهد که کمرویی و عدم جسارت در ارتباط با مشتریان، می‌تواند مانعی برای انجام اقدامات حرفه‌ای مانند پیگیری مطالبات مالی باشد. رفتار منفی دیگر، مدیریت مالی ضعیف است. آسیه چنین گفت: «*ماه‌های پر فروشمون خیلی*

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.66224/scds.13.3.35]

درآمدم خوبه و دارم نزدیک می‌شم به ماهی ۲۰ میلیون تومان ولی پس‌انداز نمی‌توانم بکنم... اصلاً متوجه نمی‌شوم چه اتفاقی برای درآمدم می‌افتد!» این تجربه بیانگر آن است که ضعف در برنامه‌ریزی و کنترل مالی می‌تواند از موانع مهم حرفه‌ای بودن در شغل زنان باشد و تأثیر مستقیم بر پایداری و توسعهٔ کسب‌وکار آنان دارد.

سومین رفتار غیر حرفه‌ای، واکنش هیجانی در مواجهه با مسائل و چالش‌های شغلی است. مژگان گفت: «*در صنف شغلی ما، خیلی کپی‌کاری هست و ایده‌ها رو برمی‌دارند. این چیزا رو که می‌بینم دلسرد می‌شوم و متوقف می‌شوم...*» این روایت نشان می‌دهد که کنترل ناکافی هیجانات و واکنش‌های احساسی، مانع استمرار فعالیت حرفه‌ای و توسعهٔ کسب‌وکار می‌شود و می‌تواند موجب عقب‌نشینی از تلاش‌های شغلی شود. آخرین رفتار منفی، رشد کاریکاتوری شغل است. مریم بیان کرد: «*با اینکه محصولات باکیفیتی دارم اما برای فروش تبلیغ خاصی ندارم، فقط اگر متوجه بشوم جایی نمایشگاه یا بازارچه مشاغل خانگی است، آنجا شرکت می‌کنم*» این تجربه نشان می‌دهد که نبود برنامه‌ریزی جامع و مدیریت یکپارچه، منجر به رشد نامتوازن کسب‌وکار و کاهش اثربخشی تلاش‌های حرفه‌ای می‌شود.

به طور کلی، رفتارهای غیر حرفه‌ای، بازتابی از کمبود مهارت‌های ارتباطی، مالی، مدیریتی و هیجانی در فرایند شغلی زنان هستند و می‌توانند مانع توسعه، پایداری و اثربخشی مشاغل خانگی شوند.

دستاورد اشتغال به مشاغل خانگی

هشتمین مقولهٔ اصلی به دست‌آمده از تجربهٔ زیستهٔ زنان دارای مشاغل خانگی، به دستاوردهای ناشی از اشتغال به این مشاغل اختصاص دارد و نشان‌دهندهٔ تأثیر شغل بر جنبه‌های روانی، اجتماعی و مالی زنان است. در بعد روانی، اشتغال خانگی موجب ارتقاء سلامت روان و افزایش صبر و تحمل می‌شود و تعاملات اجتماعی زنان را بهبود می‌بخشد؛ کریمه در این زمینه بیان کرد: «*آدم بیکار همیشه گرفته است و کسله. اعصابش خورده و به همه گیر میده. ولی کسی که کار می‌کنه، صبوره و با مشکلاتش روبرو میشه و با افراد مختلف معاشرت می‌کنه. این موضوع برای من خیلی مهمه و از وقتی دارم این کار را انجام می‌دهم، حال بهتری دارم*».

در بعد اجتماعی، فعالیت‌های خانگی به زنان امکان می‌دهد تا مهارت‌های ارتباطی و بازاریابی خود را ارتقا دهند و تعامل مؤثرتری با دیگران داشته باشند؛ گلی درباره این دستاورد گفت: «*در ابتدای کار ارتباطاتم با مشتریا خیلی بد بود و بازاریابی بلد نبودم و این به این خاطر بود که من قدرت عَرضهٔ محصول رو یاد نگرفته بودم. ولی الان با کسب تجربهٔ بیشتر و به مدد یک سری کارگاه‌ها در زمینهٔ بازاریابی و ارتباطات، با مشتری‌ها بهتر شدم*». از منظر مالی نیز اشتغال خانگی

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.66224/scds.13.3.35]

موجب افزایش استقلال اقتصادی و تقویت هویت مالی زنان می‌شود؛ گلی در این رابطه اظهار کرد: «*از لحاظ مالی خیلی برام مهمه که استقلال داشته باشم، حتی اگه کم باشه و آب باریکه باشه. نمیتونم ازین هویت مستقل دل بکنم*». بنابراین، اشتغال به مشاغل خانگی نه تنها درآمدزایی فراهم می‌کند، بلکه نقش مهمی در توانمندسازی روانی، اجتماعی و اقتصادی زنان ایفا کرده و به آنان امکان می‌دهد حس موفقیت، ارزشمندی و خوداتکایی را تجربه کنند.

بحث و نتیجه گیری

این پژوهش با هدف شناسایی تجربهٔ زیستهٔ زنان دارای مشاغل خانگی انجام شد. در مجموع، ۱۶ زن شاغل در مشاغل خانگی به‌صورت هدفمند انتخاب و با آنان مصاحبه‌ی عمیق صورت گرفت. یکی از مقوله‌های اصلی «انگیزه‌های شغلی» زنان دارای مشاغل خانگی شناسایی شد که شامل چهار مقوله فرعی مهم بود. تمایل به رهبری در حوزهٔ شغلی؛ یعنی زنان به‌دلیل نارضایتی از وضعیت کار کارمندی و شناختی که از خود داشتند، به فعالیت خویش‌فرما روی آوردند و تمایلی کارآفرینانه ابراز کردند. انگیزه‌های مالی؛ اصلی‌ترین دلیل اشتغال زنان کسب درآمد و استقلال مالی بود، به‌ویژه برای کسانی که سرپرست خانوار بودند. پژوهشِ صالح (۲۰۲۱) در کویت نیز انگیزه‌های مالی را جزء اصلی‌ترین دلایل مشاغل خانگی دانسته است. همچنین، در مطالعه‌ای در پاکستان، سلامت زنان و آگاهی از بازار بر درآمدشان تأثیر داشت و مطالعهٔ دیگر نشان داده است افزایش ثروت خانوارها گرایش زنان به اشتغال در منزل را بالا می‌برد (رشید و فرجی،۲۰۲۳). به‌طور کلی، انگیزه‌های شغلی زنان دارای مشاغل خانگی ترکیبی از انگیزه‌های درونی (تمایل به استقلال، رهبری) و بیرونی (نیاز مالی، شرایط خانوادگی/اقتصادی) است.

در پژوهش حاضر، یکی از مقوله‌های اصلی انگیزه‌های شغلی، محدودیت زنان برای کار خارج از منزل بود. زنان به دلایل مختلف از جمله وظایف مادری، رسیدگی به امور منزل، سرپرست خانوار بودن و فشارهای فرهنگی و خانوادگی، برای اشتغال در بیرون محدود شده و ناچار به انتخاب مشاغل خانگی بودند. انعطاف‌پذیری این مشاغل به آنان امکان می‌دهد تا تعادل میان کار و زندگی شخصی خود را برقرار کنند. یافته‌های والکر و همکاران (۲۰۰۸) نیز نشان داد که جذابیت مشاغل خانگی عمدتاً به دلیل همین انعطاف‌پذیری و توانایی ایجاد تعادل بین کار و خانواده است. مشابه آن، پژوهش اسلم و غوث (۲۰۲۵) در هند نشان داد که مسؤولیت‌های خانگی سنگین، مشارکت زنان در بازار کار رسمی را محدود کرده است و آنان را به سمت خوداشتغالی و صنایعی هدایت می‌کند که حضور زنان در آن‌ها غالب است، که این امر به تقویت تفکیک جنسیتی در بازار کار منجر می‌شود.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.66224/scds.13.3.35]

علاوه بر محدودیت‌ها، انگیزه‌های روانی زنان نیز نقش مهمی در انتخاب مشاغل خانگی داشت. این انگیزه‌ها شامل نیاز به ارزشمندی، انجام کار مفید، برقراری ارتباط اجتماعی، حضور فعال در جامعه، هویت شغلی و رشد و پیشرفت فردی بود. زنان شرکت‌کننده شغل خود را تنها به عنوان منبع درآمد نمی‌دیدند، بلکه آن را تجربه‌ای معنادار و فراتر از فعالیت اقتصادی می‌دانستند. این یافته‌ها با نتایج صالح (۲۰۲۱) همسو است که انگیزه‌های روانی مانند علاقه به حرفه و جستجوی راهی برای سرگرم ساختن خود را از عوامل اصلی گرایش زنان به مشاغل خانگی معرفی کرده است.

تحلیل داده‌های پژوهش حاضر نشان داد که چالش‌های شغلی زنان دارای مشاغل خانگی عمدتاً شامل چالش‌های مالی و اجتماعی است. از منظر مالی، زنان با هزینه‌های بالای مواد اولیه، نوسانات قیمت، کمبود سرمایه و نبود حمایت‌های دولتی مواجه هستند و این محدودیت‌ها مانع توسعه و پایداری کسب‌وکارهای خانگی می‌شود. پژوهش‌های پیشین نیز موانع اقتصادی را یکی از مهم‌ترین چالش‌ها در مسیر راه‌اندازی و تداوم مشاغل خانگی دانسته‌اند (سعدی و حیدری، ۱۳۹۲؛ تقی‌بیگی و همکاران، ۱۳۹۳؛ موحدی و پویا، ۱٤۰۲؛ امیری و همکاران، ۱۳۹۸). مطالعات جدید نیز بر نقش سواد مالی و مهارت‌های مدیریت مالی در توانمندسازی زنان برای موفقیت در کسب‌وکارهای خانگی تأکید دارند (عبدالمالک، عبدلرازاک و ایسمایل، ۲۰۲٤).

از نظر اجتماعی، زنان اغلب با جدی گرفته نشدن شغلشان توسط اطرافیان، سرزنش و عدم حمایت اجتماعی مواجه‌اند که می‌تواند به اضطراب، کاهش اعتماد به نفس و مشکلات روان‌شناختی منجر شود (والکر و وبستر، ۲۰۰٤؛ عابدی و همکاران، ۱٤۰۰). پژوهش‌ها نشان می‌دهند که انگیزه‌ها و حمایت‌های آموزشی و مشاوره‌ای می‌تواند به زنان کمک کند تا بر این موانع غلبه کنند و مهارت‌ها و انعطاف‌پذیری روانی خود را ارتقا دهند (کریستودولو و همکاران، ۲۰۲٤). در مجموع، چالش‌های مالی و اجتماعی به‌طور مستقیم بر مسیر راه‌اندازی و توسعهٔ مشاغل خانگی تأثیر می‌گذارند و نیازمند حمایت‌های ساختاری، آموزشی و روان‌شناختی هستند تا زنان بتوانند کسب‌وکارهای خود را پایدار و موفق پیش ببرند.

علاوه بر مشکلات مالی و اجتماعی، پژوهش حاضر نشان داد که زنان دارای مشاغل خانگی با چالش‌های اجتماعی، فرهنگی و بازاریابی نیز مواجه‌اند. از نظر اجتماعی، دشواری در جلب اعتماد مشتریان به دلیل خانگی بودن محصولات و عدم مجوز رسمی و همچنین کمبود نفوذ اجتماعی و احترام ناشی از شغل، محدودیت‌های آنان را در فعالیت‌های حرفه‌ای افزایش می‌دهد. چالش‌های فرهنگی شامل حساسیت خانواده‌ها نسبت به حضور زنان در محیط‌های فروش غالباً مردانه، اعمال محدودیت توسط همسر و نگرانی از ریخته شدن آبروی خانواده است که مسیر

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.66224/scds.13.3.35]

پیشرفت شغلی را کند می‌کند (موحدی و پویا، ۱٤۰۲). همچنین، برهم خوردن تعادل میان کار و زندگی نیز از دیگر موانع است. هرچند مشاغل خانگی به دلیل انعطاف‌پذیری جذابیت دارند، اما گاهی مرز میان زندگی شخصی و کاری محو می‌شود و فشار کاری، فرسودگی شغلی و تنش خانوادگی ایجاد می‌کند (والکر و همکاران، ۲۰۰۸؛ ماتیاسیک و کروسکا، ۲۰۲٤). در حوزهٔ فروش، زنان با چالش‌هایی همچون نبود بازار دائمی، محدودیت دسترسی به پلتفرم‌های آنلاین پرمخاطب و نوسانات بازار مواجه هستند، که توانایی بازاریابی و عرضهٔ محصولات را کاهش می‌دهد (موحدی و پویا، ۱٤۰۲؛ نجفی و صفا، ۱۳۹۳). به طور کلی، این یافته‌ها نشان می‌دهد که موفقیت در مشاغل خانگی تنها به توانایی فردی و مهارت‌های حرفه‌ای زنان وابسته نیست، بلکه با محدودیت‌های اجتماعی، فرهنگی و بازار نیز درهم تنیده است.

یکی از مقوله‌های اصلی تجربهٔ زیستهٔ زنان دارای مشاغل خانگی، چشم‌انداز شغلی آنان است که شامل توسعهٔ کسب‌وکار، برندسازی، افزایش درآمد و تسلط بر مهارت‌های شغلی می‌شود. زنان تلاش می‌کنند با استخدام نیرو، انتقال کار به محیط بیرون، تنوع بخشی به محصولات و استفاده از ابزارهای پیشرفته، کسب‌وکار خود را گسترش دهند و حتی محصولات خود را صادر کنند. دستیابی به شناخته شدن و برندسازی، برنامه‌ریزی بلندمدت و مشاوره تخصصی نیز از اهداف آنان است. علاوه بر این، کسب درآمد و پیشرفت مالی، معیاری برای موفقیت شغلی محسوب می‌شود، هرچند برخی چالش‌ها مانند خطر خشونت خانگی در اثر تغییر پویایی قدرت خانواده وجود دارد (عیساه و الموزاد، ۲۰۲٤). همچنین، زنان به دنبال تسلط کامل بر مهارت‌ها و انتقال تجربه خود به تازه‌کاران هستند تا جایگاه استادی در حرفه خود را کسب کنند (آگهی و همکاران، ۱۳۹۱).

یکی دیگر از مقوله‌های اصلی تجربهٔ زیستهٔ زنان دارای مشاغل خانگی، ابعاد عاطفی و هیجانی شغل آنان است. این زنان گزارش کردند که اشتغال به مشاغل خانگی برایشان آرامش‌بخش و لذت‌بخش است، به آن معنا که هنگام کار غرق فعالیت شده است و از افکار مزاحم رها می‌شوند. علاوه بر این، شغل برای آن‌ها معنادار و ارزشمند است و احساس مفید بودن در جامعه و حمایت خانواده و جامعه را به همراه دارد. برخی از زنان نیز از طریق فعالیت‌های انسان‌دوستانه، مانند کمک به کودکان کار و افراد دارای معلولیت، بخشی از تمایلات انسانی خود را محقق می‌سازند (عابدی و همکاران، ۱٤۰۰).

در پژوهش حاضر، تجربهٔ زیستهٔ زنان دارای مشاغل خانگی نشان داد که برخی رفتارهای غیر حرفه‌ای می‌تواند مانع رشد شغلی آن‌ها شود. با این حال، اشتغال به مشاغل خانگی برای زنان دستاوردهای مهمی به همراه داشته است که در سه حوزهٔ روانی، اجتماعی و مالی قابل مشاهده

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.66224/scds.13.3.35]

است. از نظر روانی، زنان صبر، اعتماد به نفس، عزت نفس و هویت شغلی خود را تقویت می‌کنند، واقع‌بین‌تر می‌شوند و نظم و هدفمندی در زندگی را تجربه می‌کنند و حتی از افسردگی دور می‌شوند (یاقوبی فرانی و منتشلو، ۲۰۱٤).

پژوهش حاضر اولین مطالعهٔ کیفی جامع دربارهٔ تجربهٔ زیستهٔ زنان دارای مشاغل خانگی در ایران بود و نشان داد که این مشاغل هم فرصت‌ها و هم محدودیت‌هایی را در زندگی شخصی، اجتماعی و حرفه‌ای زنان ایجاد می‌کند. زنان با چالش‌های مالی، اجتماعی، فرهنگی، تعادل کار–زندگی و محدودیت در فروش مواجه هستند که می‌تواند تداوم و توسعهٔ مشاغل آنان را تحت تأثیر قرار دهد. با این حال، آنان چشم‌اندازهای شغلی مشخصی دارند و به توسعهٔ فعالیت‌ها، شناخته شدن، پیشرفت مالی و تسلط بر حرفه خود تمایل نشان می‌دهند. پژوهش تأکید دارد که برای پایداری و توسعهٔ مشاغل خانگی، حمایت‌های اقتصادی، آموزش‌های مهارتی، برنامه‌ریزی حرفه‌ای و توجه به جنبه‌های روانی و اجتماعی شغل ضروری است. ایجاد زیرساخت‌های حمایتی، تسهیل دسترسی به بازار و افزایش ارزش اجتماعی مشاغل خانگی می‌تواند زنان را در ادامه فعالیت‌های اقتصادی و کسب دستاوردهای فردی و اجتماعی موفق‌تر کند.

منابع

۱. آگهی، حسین؛ میرک‌زاده، علی‌اصغر و معصومه تقی بیگی (۱۳۹۱) «اولویت‌بندی عوامل موثر بر توسعه مشاغل خانگی زنان روستایی»، **زن و جامعه**، ۳(۳): ۱۸۱–۲۰۲.

۲. امیری، صبا؛ نادری، نادر و یوسف محمدی‌فر (۱۳۹۸) «مفهوم‌پردازی چالش‌های کسب-وکارهای خانگی در روستاهای استان کرمانشاه»، **پژوهش‌های روستایی**، ۱۰(۲): ۱۷۲–۱۸۵.

۳. تابلی، حمید؛ عسکری باقرآبادی، محبوبه و رعنا نمازیان (۱٤۰۲) «طراحی الگوی کارآفرینی زنان مبتنی بر مشاغل خانگی با استفاده از روش داده بنیاد»، **منابع انسانی تحول‌آفرین**، ۲(۵): ۳۲–۱۵.

٤. تقی‌بیگی، معصومه؛ آگهی، حسین وعلی اصغر میرک‌زاده (۱۳۹۳) «بررسی موانع و راهکارهای مناسب توسعهٔ مشاغل خانگی روستایی شهرستان اسلام‌آباد غرب»، **پژوهش‌های روستائی**، ۵(۲): ۲۸۳–۳۱۰.

۵. جواهری، فاطمه؛ سراج زاده؛ سید حسین و ریتا رحمانی (۱۳۸۹) «تحلیل اثرات اشتغال زنان بر کیفیت زندگی آنان»، **زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)**، ۸(۲) ، ۱٤۳–۱٦۲.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.66224/scds.13.3.35]

۶. ذکاوت، سحر و خشایار قاضی‌زاده (۱۳۹۸) «تحلیلی بر اهمیت طرح توسعهٔ خوشه‌ای در افزایش تولیدات صنایع دستی با رویکرد مشاغل خانگی زنان»، **هفتمین همایش ملی پژوهش-های مدیریت و علوم انسانی در ایران**، ۱(۷): ۴۲۸-۴۴۲.

۷. رازقی نصرآباد، حجیه بی بی و زینب حسینی (۱۳۹۸) «مطالعهٔ تجربهٔ ایفای هم‌زمان نقش شغلی-خانوادگی در مادران شاغل دارای فرزند خردسال»، **جامعه‌شناسی کاربردی**، ۳۰(۳): ۱۰۹-۱۳۴.

۸. سعدی، حشمت‌اله و فریبا حیدری (۱۳۹۲) «تعاونی‌های کسب‌وکار خانگی در استان همدان؛ چالش‌ها و راهکارها»، **توسعهٔ کارآفرینی**، ۶(۱): ۸۷-۱۰۴.

۹. عابدی، محمدرضا؛ محمدی، سارا؛ نیلفروشان، پریسا وحمیدرضا عریضی (۱۴۰۰) «اثربخشی مشاوره مسیر شغلی بر چالش‌های اشتغال زنان و کیفیت زندگی کاری آنان در صنعت»، **مشاورهٔ شغلی و سازمانی**، ۱۳(۱): ۹-۲۴.

۱۰. غفوری، آرزو؛ شریف، سعیده و محمد مهدی شریعت باقری (۱۴۰۱) «واکاوی چالش‌های مالکیت اقتصادی زنان شاغل متأهل با رویکرد کیفی»، **زن و فرهنگ**، ۱۴(۵۳): ۶۱-۷۲.

۱۱. قربانی پیرعلیدهی، فاطمه (۱۳۹۹) «موانع توسعهٔ کسب‌وکارهای خانگی زنان در مناطق روستایی (مورد واکاوی؛ شهرستان رضوانشهر استان گیلان)»، **مطالعات جغرافیایی نواحی ساحلی**، ۱(۳): ۵-۲۶.

۱۲. مشایخی، ساجده؛ مرادنژادی، همایون؛ محمدی، سمیره و علی اصغر میرک زاده (۱۴۰۰) «بررسی عوامل مؤثر بر فقر اقتصادی زنان سرپرست خانوار روستایی (مورد مطالعه شهرستان کرمانشاه)»، **علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران**، ۱۷(۱): ۱۱۹-۱۳۲.

۱۳. موحدی، رضا و مهرداد پویا (۱۴۰۲) «بررسی موانع و راهکارهای مشاغل خانگی زنان: مطالعهٔ موردی زنان آسیب‌پذیر کوی محمدیهٔ شهر همدان»، **آموزش و مدیریت کارآفرینی**، ۲(۱): ۱۰۷-۹۳.

۱۴. نجفی، بهمن و لیلا صفا (۱۳۹۳) «بررسی کسب‌وکارهای خانگی کارآفرینانه و موانع و چالش‌های توسعهٔ آن‌ها در مناطق روستایی»، **مطالعات کارآفرینی و توسعهٔ پایدار کشاورزی**، ۱(۲): ۶۱-۷۳.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.66224/scds.13.3.35]

۱۵. یعقوبی فرانی، احمد؛ وحدت مودب، هاجر و سمیه لطیفی (۱۳۹۲) «شناسایی بازدارنده-های گرایش زنان روستایی به مشاغل خانگی (مورد مطالعه: بخش سردرود شهرستان رزن)»، **زن در توسعه و سیاست**، ۱۱(٤): ۵۵۹-۵۷٤.

16. Abdul Malik, N. I. S., Abdul Razak, M. R., & Ismail, H. (2024) «From homemaking to money making: A mixed-methods exploration of financial literacy empowerment in women's home-based entrepreneurial ventures», **Journal of Advanced Research**, *36*(1): 43-54.

17. Aisyah, S., & Almuzayyad. (2024) «Social and economic transformation of women through microfinance: Lessons from the M. Yunus economic movement», **Peradaban Journal of Economic and Business,** *3*(1): 91-103.

18. Aslam, A., & Ghouse, G. (2025) «Transforming households: Exploring the impact of health on the economic prosperity of female home-based workers», **International Review of Economics,** 72, Article 9.

19. Biddle, B. J. (1986) «Recent developments in role theory». **Annual Review of Sociology**, 12, 67–92.

20. Chen, M.A. (2012) **The Informal Economy: Definitions, Theories and Policies**. https://www.wiego.org (Women in Informal Employment: Globalizing and Organizing).

21. Christodoulou, I., Haj Youssef, M. S., Wasim, J., Phan, T. T. T., Reinhardt, R., & Nguyen, B. N. (2024) «Breaking barriers: Unveiling motivations, challenges and policy recommendations for women's entrepreneurship in Vietnam», **Journal of Asia Business**.

22. Crescenzi, R., Ganau, R., & Storper, M. (2022) « Does foreign investment hurt job creation at home? The geography of outward FDI and employment in the USA», **Journal of economic geography**, *22*(1): 53-79.

23. Dadheech, R., & Sharma, D. (2023) « Home-based work or non-home-based work? Factors influencing work choices of women in the informal sector» , **International Journal of Sociology and Social Policy**.

24. Flores, L. (2023) «**The Regulatory_Politics_of_Home-Based Moneymaking after the American Family Wage», (**Doctoral dissertation). University of Michigan.

25. Islam, T. M. T., & Kotikula, A. (2023) « Home-based work decisions among Bangladeshi women», **Asian Development Review,** *40*(1): 79-111.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.66224/scds.13.3.35]

26. Jose, A., Dutta, M (2024) « Held back by homes: effects of domestic work on occupational choices of women in India », **Ind. Econ. Rev**. 59: 559–599.

27. Jumanazarova, F. K. (2023) «Strategic goals and objectives of ensuring women's employment»,**International Journal Of History And Political Sciences,** 3(2): 5–7.

28. Malik, S., Alkhaldi, A., Salamzadeh, A., & Mantas, C. (2024) «A systematic literature review on home-based businesses: Two decades of research», **Journal of Family Business Management**.

29. Nguyen-Phung, H.T., Kohara, M. & Er, S. (2024) «The impact of ICT development on female employment and households' well-being in Vietnam», **JER,** 75: 951–978.

30. Ojagbemi, A., Daley, S., Feeney, Y., Elugbadebo, O., Kola, L., & Gureje, O. (2023) « Participatory development of a home-based depression care model with lived experience older Nigerians and their caregivers: A theory of change», **International Journal of Geriatric Psychiatry**.38(11):e6019.

31. Osiewalska, B., Matysiak, A., & Kurowska, A. (2024) « Home-based work and childbearing», **Population Studies**, 78(3): 525–545.

32. Rashid, A., & Faridi, M. Z. (2023) «Labor productivity of home-based and outdoor working women in Pakistan: An implication from human and social capital». **Pakistan Journal of Humanities and Social Sciences**, 11(2), 419–430.

33. Ryan, R. M., & Deci, E. L. (2000) «Self-determination theory and the facilitation of intrinsic motivation, social development, and well-being». **American Psychologist**, 55(1), 68-78.

34. Sarkar, Popy, (2024) **Understanding the Struggles Of Female Job Holders In Bangladesh: Workplace, Home, Society Challenges For Married Vs Unmarried Women**, Available at SSRN: https://ssrn.com/abstract=5067857or.

35. Saleh, Y. (2021) « ICT, social media and COVID-19: evidence from informal home-based business community in Kuwait City», **Journal of Enterprising Communities: People and Places in the Global Economy**, 15(3): 395-413.

36. Sinta, I., Ilham, R. N., Sari, D. K., Mawardati, M., Khaidir, K., & Ekamaida, E. (2021) « Training The Processing of Tomato Sauce for A Home-Based Business the Scale of SMES», **Irpitage Journal,** 1(1): 26-28.

37. Walker, E., Wang, C., & Redmond, J. (2008) « Women and work-life balance: Is home-based business ownership the solution», **Equal Opportunities International**, 27(3): 258-275.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.66224/scds.13.3.35]

38. Walker, E., & Webster, B. (2004) «Gender issues in home-based businesses», **Women in management review**, 19(8): 404-412.

39. Yaghoubi Farani, A., & Mantashloo, M. (2014) « The study of the entrepreneurial spirit of home business cooperative among the members in Hamedan Province», **European Online Journal of Natural and Social Science***s*, *3*(1): pp-48.

40. Yousaf, F. N., Ashfaq, M., & Ahmad, A. (2018) « Vocational education and home-based work: Socioeconomic issues of self-employed home-based women workers in Pakistan», **International Journal of Innovation in Teaching and Learning,** 4(2).

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.66224/scds.13.3.35]